

۱۸ ذی‌الحجه در تقویم قمری روز عید غدیر و از بزرگترین اعیاد شیعیان می‌باشد که در این روز برای جانشینی امیرمومنان، امام علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام در مقام امامت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جشن گرفته می‌شود. در احادیث شیعه این عید، با عباراتی چون عیدالله الاکبر (بزرگترین عید الهی)، عید اهل‌بیت محمد صلی الله علیه و آله و اشرف‌الاعیاد (والاترین عید) یاد شده است.

• پیشینه جشن عید غدیرخم

بررسی پیشینه جشن عید غدیر نشان می‌دهد که از همان روز واقعه غدیرخم در سال ۱۰ هجری، برگزاری جشن و سرور اتفاق افتاده است. بنابر آنچه که در کتاب خصائص‌الائم علیه السلام نقل شده است، حسان‌بن ثابت، در روز عید غدیر در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، میان جمعیت مسلمانان حاضر در غدیرخم، اشعاری را با صدای بلند خواند.

غدیریه حسان‌بن ثابت در توصیف واقعه غدیر چنین است:
ینادیهم یوم الغدیر نبیهم یخم و أسمع بالرسول منادیا فقال فمن مولاکم وولیکم؟ فقالوا ولم یبدوا هناک التعادیا إلهک مولانا وأنت ولینا ولم تر منا فی المقالة عاصیا فقال له قم یا علی فإِنّنی رضیتک من بعدی إماما وهادیا فمن کنت مولاة فهذا ولیه فکونوا له أنصار صدق موالیا هناک دعا اللهم وال ولیه وکن للذی عادى علیاً مُعادياً پیامبر خداصلی الله علیه و آله آنان را در روز غدیر ندا داد، چه ندای ارزشمندی. او فرمود: مولای شما و سرپست شما چه کسی است؟ آنان بی‌درنگ گفتند: خدای تو مولای ماست و تو سرپست و ولی‌امر مایی. ما هرگز از فرمان تو سرپیچی نخواهیم کرد. در آن هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: برخیز من تو را انتخاب کردم تا بعد از من امام و رهبر باشی. بعد فرمود: هرکس من مولا و رهبر اویم، این مرد مولا و رهبر او خواهد بود؛ پس شما همگی، از سر صدق، از او پیروی کنید. بارالها، دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار.

همچنین بنا بر روایتی که در مصباح‌المتجهّد نقل شده است، امام رضا علیه السلام روز غدیر را مجلس می‌گرفته است. (طوسی، مصباح‌المتجهّد، ج۲، ص۷۵۲) علی‌بن حسین مسعودی، تاریخ‌نگار قرن چهارم قمری، در التنبیه والاشراف نوشته است که فرزندان و شیعیان امام علی علیه السلام این روز را بزرگ می‌دانند. (مسعودی، التنبیه و الإشراف، ص۲۲۱) شیخ کلینی رحمته الله، محدث قرن چهارم هجری قمری نیز در روایتی جشن‌گرفتن شیعیان را نقل کرده است. (شیخ کلینی، الکافی، ج۴، ص۱۴۹)

به گزارش ابن‌کثیر، تاریخ‌نگار اهل‌سنت در قرن هشتم قمری، در حکومت آل‌بویه از حاکمان شیعه، نیز عید غدیر را تعطیل و جشن عمومی اعلام کرده بودند و نهادهای حکومتی و مردم را به برگزاری جشن‌ها و آذین‌بندی شهرها ترغیب می‌کردند. (ابن‌کثیر، البداية و النهایة، ج۱۱، ص۲۷۶) آنان در این جشن، خیمه‌ها برمی‌افراشتند و پارچه‌ها (پرچم‌ها) می‌آویختند و شتر قربانی می‌کردند و شب‌هنگام آتش روشن کرده به جشن و شادی می‌پرداختند. (ابن‌جوزی، المنتظم فی تاریخ‌الامم و الملوک، ج۵، ص۱۴) چنان که گردیزی، تاریخ‌نگار قرن پنجم قمری نیز، این روز را از روزهای بزرگ اسلامی و اعیاد شیعیان برشمرده است. (گردیزی، زین‌الخیار، ص۴۶۶) شیعیان، شب عید غدیر را نیز بزرگ شمرده و شب زنده‌داری می‌کنند. (نعمانی، ثمارالقلوب، ص۵۱) در مصر خلفای فاطمی، عید غدیر را جشن می‌گرفتند. (امینی، عبدالغدير فی عهد الفاطميين، ص۶۵–۶۴)

• عید غدیر چگونه به تقویم شیعیان راه یافت؟

نخستین‌بار ۳۴۲ سال بعد از آن روز، با قدرت‌گرفتن خاندان‌های شیعی ایرانی در جهان اسلام و فتح بغداد



نگاهی به پیشینه جشن و سرور شیعیان در عید غدیرخم

نوشتاری از حجت‌الاسلام سیدمحسن شریفی

توسط آل‌بویه، پس از قرن‌ها حکومت خاندان‌ها اموی و عباسی، روزنه‌ای برای تنفس شیعه باز شده و برای اولین‌بار، ۱۸ ذی‌الحجه در تقویم‌های قمری، به‌عنوان بزرگترین عید مسلمانان جهان نام‌گذاری شد و شیعیان در سرتاسرگیتی این روز را به‌عنوان روز ریاست امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام جشن گرفتند؛ زیرا تا قبل از به قدرت رسیدن آل بویه و برگزاری باشکوه مراسم عید غدیر تحت لوای حکومت ایرانی، شیعیان عید غدیر را به‌صورت مخفی یا محدود برگزار می‌کردند. از روی مستندات تاریخی معلوم می‌شود، اولین جشن علنی و سراسری عید ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سال ۳۵۲ هجری قمری برگزار شد؛ یعنی پس از گذشت ۲۴ سال از غیبت کبری امام زمان علیه السلام.

از آن پس ایرانیان در روز عید غدیر شهرها را تعطیل و آذین کردند، مغازه‌ها تا صبح باز بودند، افرادی به نشانه شادی طبل کوبیده، شیپور می‌زدند و آتش‌بازی به راه می‌انداختند. در دوران حکومت صفویه نیز با اعلام تشیع به‌عنوان مذهب رسمی ایران، شکوه این عید بیشتر شده و «عید بزرگ ایرانیان» نام گرفت؛ اما در زمان نادرشاه افشار برگزاری جشن عید غدیر منع شد؛ ولی بار دیگر در دوره قاجار شور و شکوه به این عید بازگشت و هرساله در محلات، مساجد، امام‌زاده‌ها و به‌خصوص حرم امام رضا علیه السلام، مراسم‌های مذهبی و حتی ملی به‌مناسبت غدیر برگزار می‌شد. امروزه نیز این مراسم در نقاط مختلف ایران برگزار می‌شود و به عید سادات معروف است. مردم به دیدن سادات می‌روند و سادات پول‌هایی را به‌عنوان عیدی به مهمانان خود می‌دهند. مردم بر این باورند که نگهداری این پول به رزق و روزی آنها برکت می‌دهد.

• گزارش‌های تاریخی از عید غدیر؛

از ناصرالدین شاه تا سیاحان اروپایی

در دوره قاجار به‌مناسبت عید غدیر در دربار مراسم «سلام»

که مخصوص دیدار اعیان و شاهزادگان یا مردم با شاه بود، برگزار می‌شد. ناصرالدین قاجار درباره عید غدیر سال ۱۲۵۵ شمسی در خاطراتش آورده است: «عید غدیر رسید، شب عید غدیر بیرون شام خوردم، عمارات جدید و نارنجستان چراغان شد، اغلب پیش خدمت‌ها بودند. امین‌حضور، عضدالملک، عکاس، فرخ‌خان و غیره و غیره و غیره بودند. خواننده‌های مردانه همه آمدند. الحمدلله خوش گذشت. روزش هم در همان تالار جدید سلام شد.»

ابن‌جوزی در کتاب «المنتظم فی التاریخ الملوک والامم» دیده‌های خود از عید غدیر سال ۳۵۲ هجری قمری را این‌طور گزارش می‌دهد: «در شب عید یعنی پنجشنبه هجدهم ذی‌الحجه سال ۳۵۲ مغازه‌های بغداد تا صبح باز بود. صدای طبل و شیپور، گوش شهر را پر کرده بود. مراسم آتش‌بازی در بازار برگزار شد. تا روز عید غدیر که مردم، گروه گروه به زیارت حرم‌های متبرک کاظمین می‌رفتند. معزالدوله، امیر دیلمی دستور داده است، بغداد را آذین‌بندی کنند و شهر یکپارچه غرق در شادی و جشن و سرور باشد.»

به‌جز ابن‌جوزی بغدادی، تاریخ نگار حنبلی‌مذهب که شواهد بالا را گفته، ابن‌مسکویه دانشمند ایرانی هم در «ملحقات کتاب تجارب‌الامم» آنچه را از جشن‌های عید غدیر دیده، به‌صورت گزارش نوشته و گفته است: «شیعیان، جشن روز عید سعید غدیر را با آذین‌بندی، نصب کتیبه‌های مذهبی، پوشیدن لباس‌های نو و فاخر و قربانی‌کردن شتر گرمی می‌داشتند.» ابن‌مسکویه هم می‌گوید: در شب عید غدیر در بغداد تا سالیان سال، رسم آتش‌بازی برقرار بود.

• عید غدیر در آیینه سفرنامه‌ها

«آدم اولتاریوس» دانشمند و سیاح آلمانی، در سفر به ایران، شاهد یکی از این جشن‌ها بوده و در سفرنامه‌اش نوشته است: «روز اول مارس، ایرانی‌ها جشنی برپا می‌کنند

حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث غدیر به مردم تذکر می‌دهد که علی علیه السلام، همان شخص محمد صلی الله علیه و آله است در جلوه‌ای دیگر و لذا مولویت او، همان مولویت حقیقت محمدی است و نه مولویتی جدید و متفاوت با مولویت حقیقت محمدی که به وضع و جعل جدیدی نیاز باشد.

در اینجا باید توجه داشت، اینکه روح و نفس امیرالمؤمنین علیه السلام، همان روح و نفس پیامبر صلی الله علیه و آله در جلوه‌ای دیگر است، اشاره‌ای به یک اتحاد صرفاً مجازی و یگانگی اعتباری نیست که مثلاً دو دوست صمیمی به هم ابراز می‌کنند؛ بلکه چنین اتحاد و یگانگی، یک رابطه تکوینی و اتحاد وجودی حقیقی است که بین روح و نفس نبوی و علوی برقرار است؛ اتحادی که هم در قرآن در آیه مباهله با تعبیر «انفسنا» به آن اشاره شده است و هم در روایات متعدد شیعه و سنی آمده و با تعبایر و جملات مختلفی بیان گردیده است؛ مثل حدیثی که از پیامبر روایت شده که فرمود: «خُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ»؛ من و علی از نور واحدی آفریده شدیم و نیز فرمود: «خُلِقْتُ أَنَا وَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا وَعَلِيٌّ فُرْعَاهَا»؛ من و علی از درخت یگانه‌ای آفرینش یافته‌ایم؛ من اصل آن درختم و علی فرع آن؛ یا فرمود: «أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى»؛ من و علی از یک درخت یگانه‌ایم و سایر مردم از درختان مختلف.

در اینجا این پرسش به نظر می‌رسد که آیا یک روح و نفس یگانه امکان دارد، به دو بدن متفاوت تعلق بگیرد یا نه چنین چیزی شدنی نیست؟

پاسخ این است که چنین ادعایی امتناع عقلی ندارد؛ بلکه مواردی از این قبیل وجود دارند که آنها بر امکان چنین ادعایی بلکه بر وقوع آن دلالت دارند؛ گرچه ادعای ما این نیست که این موارد عیناً از قبیل اتحاد مورد نظر درباره پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام باشد؛ ولی وقوع چنین مواردی نشان

که آن را غدیر می‌نامند. با توجه به این موضوع، خان دوباره از ما در کنار رودخانه در جایی باصفا نزدیک خیمه با طرزی باشکوه پذیرایی کرد. در این مراسم سرگرمی‌های زیاد تهیه دیده بودند. چند نفر به‌طرز ماهرانه می‌پريدند و شعبده‌بازی و تردستی می‌کردند. جالب توجه رقص زیبایی بود که پسرچه‌ای درحالی‌که دو سنج کوچک که بر آن یک دسته نوار گره‌خورده ابریشمین و دراز آویزان بود و آنها را هنگام زدن بر یکدیگر به حرکت درمی‌آورد و نمایش می‌داد. خارج از خیمه، مردم معمولی نیز هرکسی اگر هنری داشت، به معرض نمایش می‌گذاشت. آنان سرگرمی‌های زیادی برای خود داشتند. شخص خان تیراندازی دقیق خود را آزمایش کرد و توانست، تار مویی از اسب را که در دست پسرچه خودش بود، از فاصله شش قدمی با تیر بزند. همچنین سببی را به سوی آسمان پرتاب کردند و وی در بازگشت با تفنگ، سیب را هدف قرار داد.»

• سنت عقد اخوت در عید غدیر؛ از صفویه تا امروز

یکی از سنت‌های مهم بین ایرانیان در جشن غدیر، بستن عقد «اخوت» که یک مستحب دینی برای بهبود پیوندهای اجتماعی است، بین مؤمنان و مسلمانان بود. «ژان بابتست فُوریه» پزشک فرانسوی دربار ناصرالدین شاه قاجار در خاطراتش می‌نویسد: «یکی از آداب این روز، صیغه عقد اخوت یا برادری در بین مردان است؛ دو تا دوست با رفتن به پیش روحانی محله و با خواندن صیغه برادری، تا آخر عمرشان مثل برادر برای هم باقی می‌مانند.»

در ایران، در دوره صفویه، عید غدیر از اعیاد رسمی بود (نیک‌زاد طهرانی، «تشیع و تاریخ اجتماعی ایرانیان در عصر صفوی»، ص۱۳) و امروزه نیز در جمهوری اسلامی ایران، روز عید غدیر تعطیل رسمی است؛ همچنین روز عید غدیر در برخی شهرهای عراق همچون کربلا، نجف و ذی‌قار نیز تعطیل رسمی است.

می‌دهد که اتحاد دو بدن در یک نفس و روح امکان وقوعی دارد؛ گرچه این موارد یکسان نیستند؛ این موارد عبارتند از:

- جنین و مادر دارای دو بدن مادی هستند؛ ولی روح و نفس مدبر و اداره‌کننده این دو بدن مادی؛ یکی بیش نیست که همان روح مادر است؛ مخصوصاً جنینی که هنوز روح به آن‌القاء نشده است؛ حتی بعد از القای روح به بدن جنین نیز، روح جنین تحت اشراف روح مادر و تحت تدبیر و اداره روح مادر است؛ زیرا روح در دوره جنینی، هنوز ادراکی به ابزارآلات مادی و بدنی خود ندارد که بر اساس آن ادراک و آگاهی، کار تدبیر و اداره بدن خود را انجام دهد؛ چنانکه در آیه ﴿وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُم مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا﴾، به این عدم آگاهی اشاره شده است.
- نفس در هنگام رؤیا هم، بدن مادی را اداره و تدبیر می‌کند و هم بدن مثالی و رؤیایی خود را؛ زیرا در حال رؤیا هم، کارهای طبیعی بدن، تحت اشراف نفس صورت می‌گیرند؛ مثل هضم غذا، تنفس هوا و یا غلطیدن و پهلو به پهلو شدن در رختخواب با احساس خستگی از وضعیت قبل و هم در رؤیا با بدن مثالی و برزخی باکسی سخنی می‌گوید یا منظره‌ای را مشاهده می‌کند یا حرکتی را انجام می‌دهد؛ پس در حالت رؤیا، نفس واحد دو بدن مثالی و بدنی را تحت تدبیر و اداره خود دارد.
- بنا بر نظر حق در باب معاد، انسان در عین اینکه با بدن جسمانی مادی محشور می‌گردد، دارای بدن مثالی و برزخی نیز هست که هر دو تحت تدبیر و اداره نفس قرار می‌گیرند. بنابراین اینکه یک نفس بر دو بدن مادی یا بر یک بدن مادی و یک بدن مثالی اشراف داشته و آنها را اداره و تدبیر کند، چیز محالی نیست و لذا اینکه روح پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام نور واحد باشد در دو جلوه متفاوت نبوی و ولوی و شجره واحدی باشد با دو میوه محمدی و علوی، بدون هیچ اشکالی پذیرفتنی و قابل قبول است.